

امام حسین علیه السلام و عاشورا پژوهی مستشرقان فرانسوی

علی علیشاهی^۱

امین علیشاهی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۱

چکیده

امام حسین علیه السلام و عاشورا از مباحثی هستند که هر کدام از خاورشناسان و اسلام‌شناسان غربی بدان توجه کرده‌اند. مراد از مطالعه آرای مستشرقان در باب عاشورا و امام حسین علیه السلام این است که به اهداف و انگیزه‌های مستشرقان پی برده و شناخت کافی حاصل کنیم. نوشتار حاضر با هدف معرفی و شناخت تحقیقات صورت گرفته در مورد امام حسین علیه السلام و عاشورا پژوهی مستشرقان فرانسوی نگارش یافته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که مستشرقان فرانسوی چه تصویری از امام حسین علیه السلام و عاشورا را به خوانندگان خود ارائه کرده‌اند؟ فرضیه این مقاله که در حقیقت پاسخ به سؤال اصلی پژوهش خواهد بود، مبتنی بر این گزاره است: نگاه برون‌دینی، پیش‌داوری و میزان دسترسی مستشرقان

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات فرانسه دانشگاه اصفهان، alialishahi2010@yahoo.com

۲. سطح دو حوزه علمیه alishahi.a@chmail.ir

فرانسوی به منابع معتبر اسلامی در تحلیل و بررسی آنها در این حوزه تأثیر گذاشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نتایج حاصل از مطالعات مستشرقان و اسلام‌شناسان فرانسوی در برخی از موارد با آنچه در واقعیت امر وجود دارد متفاوت است و آنها نتوانسته‌اند تصویری درست از امام حسین علیه السلام و عاشورا را در مذهب تشیع معرفی کنند.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، عاشورا، شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی، مستشرقان فرانسوی.

مقدمه

مشرق‌زمین و سرزمین‌های اسلامی از دیرباز تاکنون مرکز توجهات اروپاییانی بوده است که برای شناخت فضای غیر خودی بدان جا سفر کرده یا بدون سفر با تکیه بر آثار پیشین و تحقیق و جست‌وجو در دیگر منابع آثاری را به رشته تحریر درآورده‌اند. قرن نوزدهم قری است که شرق‌شناسی به شکل رسمی و آکادمیک در اروپا رسمیت می‌یابد. در این قرن نگاه اندیشمندان مسلمان نسبت به غرب نگاهی دوگانه است که از یک سو، همراه با بیزاری و نفرت از امپریالیسم سلطه‌طلبانه اروپا نسبت به کشورهای آسیایی و آفریقایی است و از سوی دیگر، خواهان آزادی و پیشرفتی است که غرب نوید آن را داده است. عده‌ای از متفکران مسلمان، کار شرق‌شناسان در مورد فهم جهان و اندیشه شرق و شرقیان را ستوده و این کار را عاملی برای خودآگاهی و هم‌چنین شناساندن فرهنگ مشرق‌زمین برای غربی‌ها دانسته و آن را مورد تشویق قرار داده‌اند و کوشیده‌اند از آثار شرق‌شناسان به عنوان الگو و راهنمایی برای نوشتن و تفکر در آثارشان استفاده کنند. دسته دوم غالباً با دیدگاه ستیزه‌جویانه با شرق‌شناسی مواجه شده و کوشیده‌اند استعمارگری و سیاست‌های امپریالیستی موجد این آثار را کشف و شناسایی کنند؛ چرا که قرن نوزدهم دورانی است که توسعه اروپا بعد جدیدی در رابطه بین غرب و شرق باز می‌کند. نتیجه این پروژه امپریالیستی بنیان گذاشتن حوضه‌ای مستقل از مطالعات با نام مطالعات شرق و اسلام بود.



محمد دسوقی دوره‌های شرق‌شناسی را به چهار دوره تقسیم می‌کند: دوره نخست پس از گشوده شدن اندلس به دست مسلمانان و شکوفایی حیات علمی در آن دیار و فتح جزایر دریای مدیترانه و جنوب ایتالیا آغاز می‌شود. دوره دوم پس از جنگ‌های صلیبی تا نیمه سده هجدهم ادامه پیدا می‌کند. دوره سوم از نیمه‌های قرن هجدهم تا پایان جنگ جهانی دوم را در بر می‌گیرد و سرانجام دور تازه شرق‌شناسی که از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون ادامه داشته است و لابد تا ابد ادامه خواهد کرد (دسوقی، ۱۳۷۶: ۶۲).

مذهب تشیع که تجسم و منعکس‌کننده فرهنگ و مکتب امامان معصوم است، از دوران گذشته تا به حال مورد توجه قرار گرفته و علاوه بر تربیت و ظهور متخصصان گوناگون در حوزه شیعه‌شناسی و تاریخ اسلام، تاکنون کتاب‌ها و آثار زیادی توسط خاورشناسان تألیف شده و در این آثار به موضوعات مختلفی با رویکردهای متفاوتی اشاره شده است. از جمله موضوعاتی که مستشرقان و اسلام‌شناسان غربی و فرانسوی بدان پرداخته‌اند امام حسین و عاشورا است که از مهم‌ترین نحله‌های مکتب تشیع به شمار می‌آید. پژوهش‌های شرق‌شناسان و دین‌پژوهان فرانسوی در باب امام حسین و عاشورا دارای جنبه‌های مثبت و منفی است.

اساس این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تاریخی است. از آنجایی که اسلام‌پژوهی، سهمی بسزا از مطالعات خاورشناسان را به خود اختصاص داده است، این نوشتار با این فرضیه که نگاه برون‌دینی، پیش‌داوری و هم‌چنین میزان دسترسی مستشرقان به منابع معتبر اسلامی و شیعی بر تحقیقات و پژوهش‌های آنها تأثیر گذاشته است در پی پاسخ به این پرسش خواهد آمد که شرق‌شناسان فرانسوی چه تصویری از امام حسین علیه‌السلام و عاشورا را به خوانندگان خود ارائه کرده‌اند؟

گفتنی است بررسی و مطالعه درباره امام حسین علیه‌السلام و عاشورا در آثار خاورشناسان و اسلام‌پژوهان غربی مورد توجه قرار گرفته و این جستار نیز مسلماً ادامه و دنباله مطالعات پژوهندگان این عرصه است. «نگاهی به عاشورا پژوهی در غرب» عنوان مقاله‌ای است که در فصلنامه کتاب‌های اسلامی در سال ۱۳۷۹ توسط عبدالحسین حاجی ابوالحسنی و

محمد نوری نگاشته شده است که به تحقیقات خاورشناسان و اسلام شناسان فرانسوی توجهی نشده است.

«عاشورا پژوهی در غرب» در فصلنامه تاریخ اسلام در سال ۱۳۸۸ توسط غلام احیا حسینی به چاپ رسیده است. وی در مقاله خود به پژوهش‌ها و نوشته‌های چند تن از عاشورا پژوهان برجسته غربی پرداخته است که از آن میان به آثار و نوشته‌های هنری لامنس توجه شده و بقیه آثار مستشرقان و اسلام پژوهان فرانسوی مورد توجه قرار نگرفته و بدان پرداخته نشده است. آن چه ما در این نوشتار مد نظر داریم پرداختن به مبحث امام حسین علیه السلام و عاشورا پژوهی مستشرقان فرانسوی است که در نوع خود، کاری بدیع به شمار می‌رود.

شرق شناسی و اسلام شناسی

شرق شناسی عبارت است از شیوه‌ای غربی برای تسلط بر شرق، تجدید ساختار آن و استمرار آمریت غرب. حاصل چنین شرق شناسی پدرسالارانه، امپریالیستی و نژادپرستانه‌ای نادیده گرفتن واقعیت شرق و مردم آن است. شرق شناسی غربیان کلی‌گویی‌هایی درباره تفکر شرق است که در آنها شرق منفعل در برابر غرب عقل‌گرا و برتری مغرب‌زمین در برابر حقارت شرق قرار می‌گیرد. به زعم برخی محققان، شرق شناسی نوعی تلاش «دیگرسازی» در پارادایم کشف جهان غربی نسبت به جهان‌های دیگر است (سعید، ۱۳۷۱: ۱۰۸).

گسترده‌ترین محدوده شرق شناسی تمام کشورهای مشرق‌زمین و آسیا اعم از خاورمیانه، شرق دور و نزدیک که در شرق اروپا و دریای مدیترانه قرار دارند و کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به عنوان عرصه شرق شناسی غربیان معرفی شده است. جدیدترین محدوده جغرافیایی شرق شناسی، جغرافیای دینی است. شرق شناسانی که با انگیزه دینی، تبشیری مسیحیت یا یهودی‌گری و احیاناً انگیزه استعماری ضد اسلامی پژوهشی خاورشناسانه را انجام داده‌اند، مرزهای جغرافیایی زمین‌شناسی را کنار نهاده و مرزهای جغرافیایی دینی را جایگزین ساخته‌اند و تنها سرزمین‌های مسلمان‌نشین را مد نظر



داشته‌اند (زمانی، ۱۳۸۷: ۴۵).

بنابراین، شرق‌شناسی محصول پاسخ‌گویی غرب به نیازهای حیاتی و اجتماعی دوران خود است. غربی‌ها از دوره‌ای که امپریالیسم زاییده شد، تمام تلاش خود را مصروف اهداف توسعه طلبانه نمودند. علم و دانش که پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی و سیاسی ملل مغرب زمین بود نیز در جهت اهداف و منافع امپریالیستی و هم‌چنین در پیوند با آن قرار گرفت. فعالیت‌های تبشیری و تبلیغی نیز برای بسترسازی مناسب در جهت این مقصود طراحی گردید. شرق‌شناسان همواره از حمایت‌های ویژه دولت مردان اروپایی برخوردار بودند. از جمله این دولت مردان می‌توان به کلبر (Colbert) اشاره کرد که به کشف و شناسایی شرق علاقه زیادی داشت و به دانشمندان شرق شناس کمک‌های مالی ارائه می‌داد. کلبر کرسی‌های شرق‌شناسی را در کلژ دو فرانس (Collège de France) تأسیس کرد و سازمان سلطنتی مؤسسه «منشیان مترجم زبان‌های شرقی» را بنیان نهاد و منابع گزافی را برای خرید مدال‌ها و اشیای شرقی خرج نمود، به طوری که کابینه سلطنتی به صورت گنجینه‌ای سرشار از دست‌نویس‌های شرقی درآمد که همه این امور حساب شده و در پشت آن اهدافی نهفته بوده است (مارتینو، ۱۳۸۱: ۳۸).

نوع دیگری از استشرق و خاورشناسی، همان اسلام‌پژوهی و مطالعات قرآنی است که در سالیان اخیر مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. اسلام‌شناسی بخشی از دانش عام شرق‌شناسی به شمار می‌آید. اسلام‌شناسی و تحقیق در مورد تاریخ اسلام در نزد شرق‌شناسان عمری طولانی دارد و آثار زیادی در این زمینه به زبان‌های زنده دنیا توسط مستشرقان نگارش و انتشار یافته است. در بین این آثار گاهی تمجید، ستایش و بیان حقایق در راستای موضوعی که بدان پرداخته شده به چشم می‌خورد و گاهی هم در پس آن اهداف استعماری نهفته است که برای ضربه زدن به اسلام، مسلمین، تخریب چهره انبیا و اولیای الهی بوده است. در مقاله حاضر، استشرافی که مد نظر است و همواره در معرض نقد عالمان و دانشمندان اسلامی قرار دارد، استشرافی است که به حوزه‌ای خاص می‌پردازد و عبارت است از «اسلام‌شناسی توسط غیر مسلمانان» (زمانی، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۹).

مطالعات اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی در فرانسه

در میان کشورهای غربی، مکاتب شرق‌شناسی با ویژگی‌های متفاوت و منحصر به فردی وجود دارند که در این میان شاید بتوان فرانسه را اولین مهد شرق‌شناسی نامید؛ زیرا اولین شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان از این کشور بوده و نقش فراوانی در گسترش شرق‌شناسی داشته‌اند. شرق‌شناسی فرانسه دو دوره مهم را پس از ظهور اسلام در برمی‌گیرد:

الف) پس از جنگ‌های صلیبی: فعالیت‌های اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی در این دوره عبارتند از:

- تأسیس رشته آموزش‌های اسلامی - عربی در دانشگاه پاریس در سال ۱۲۴۸ میلادی؛

- تأسیس اولین مدرسه آموزش عربی و عبری در طلیطله در سال ۱۲۵۰ میلادی؛

- تأسیس مدرسه عربی شهر ریمس فرانسه؛

- تأسیس مرکز آموزش زبان‌های شرقی در سال ۱۲۵۸ میلادی؛

- تأسیس مرکز آموزش‌ها و بررسی‌های اسلامی و عربی در دانشگاه سوربن فرانسه

(زمانی، ۱۳۸۷: ۲۷۹-۲۸۰).

ب) بعد از رنسانس: یکی از اولین گام‌های غرب در قرن شانزدهم میلادی در خرید کتب خطی، شرقی، اسلامی و عربی با یک هیئت فرانسوی به رهبری ویلیام پوستل بود. فرانسه با انتقال بخشی از این کتاب‌ها به آلمان، بنیاد پژوهش‌های دوره جدید اسلام‌شناسی را در غرب پایه نهاد (همو: ۲۸۰-۲۸۱). از آنجایی که تماس مغرب‌زمین با اسلام از طریق اهل تسنن بوده و تلاقی تاریخی با مسلمانان یعنی در اندلس و غرب اروپا، با اعراب و ترکان اهل سنت انجام گرفته، تاکنون توجهاتی به مذهب تشیع و مخصوصاً شیعه دوازده‌امامی در مراکز علمی مغرب‌زمین معطوف نشده است. اکثر دانشمندان غربی اصالتی برای مذهب تشیع قائل نبوده و آن را ساخته قرن سوم هجری می‌دانند. در سال‌های اخیر با تحقیقات لوئی ماسینیون و پیش از او هانری کربن به تدریج توجه غربیان به عالم دینی و فکری تشیع معطوف شد. یک مجمع علمی برای اولین بار در دانشگاه

استراسبورگ با همکاری مؤسسه تحقیقات اسلامی دانشگاه سوربون و مرکز تحقیقات اسلامی دانشگاه استراسبورگ تشکیل شد که در آن معروف‌ترین اسلام‌شناسان فرانسه و چند تن از دانشمندان کشورهای دیگر شرکت داشتند. برخی سخنرانان و مباحث سخنرانی آنان عبارتند از: «ژرار لوکنت: جوانب کتب احادیث شیعه»، «کلود کاهن: شیعه در آنتولی قبل از عثمانیان»، «هانری کربن: امام‌شناسی و فلسفه»، «ایوان لینان دوبلفوند: فقه شیعه»، «ژان اوبن: سیاست دینی صفویه»، «هانری ماسه: مرثیه‌های امامان شیعه». در همه موارد، اطلاع کافی در دست محققان نبود. بیشتر به این سبب که دسترسی به منابع اولیه معارف شیعی نداشتند و این موضوع به خاطر فقدان آثار شیعی در کتابخانه‌های علمی و دانشگاهی اروپاست (نصر، ۱۳۸۶: ۶۷-۷۹).

نظریات شرق‌شناسان فرانسوی درباره امام حسین علیه السلام و عاشورا

ورود اسلام به اروپا، اندلس و مرزهای فرانسه، کلیسا و دستگاه پاپ را به وحشت انداخت. کلیسا که موجودیت مسیحیت را با حضور دین جدید در خطر می‌دید، به فکر چاره برآمد و تصمیم گرفت به شناسایی دین، پیامبر، ائمه مسلمین و کشورهای اسلامی شرق بپردازد که بتواند راه دفاع در برابر پیشرفت فرهنگ اسلام را شناسایی کند و از راه تبشیر و تبلیغ مسیحیت از گسترش اسلام بکاهد و به مبارزه با این آیین جدید برخیزد. از جمله موضوعاتی که مستشرقان و اسلام‌شناسان بدان پرداخته‌اند، امام حسین علیه السلام و عاشورا پژوهی است که در ادامه تلاش می‌کنیم به گوشه‌هایی از این مطالعات بپردازیم.

آلفونس اتین دینه (Alphonse-Étienne Dinet) که بعد از گرویدن به اسلام نام خود را به نصرالدین دینه (Nasreddine Dinet) تغییر داد، علاوه بر پژوهش در نحله شرق‌شناسی، در شناخت هنر و نقاشی شرقی نیز تبصره خاصی داشت. آلفونس اتین دینه، نسل حسن و حسین علیه السلام را معروف به نسل شریف دانسته و آنان را تنها نسل محمد صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌کند (آل اسحاق خوئینی، ۱۳۷۰: ۳۷۰).

ژول لایوم (Jull La Baume) علت وقوع حادثه کربلا برای امام حسین علیه السلام را فروزان شدن شعله‌های خشم و فتنه‌های داخلی می‌داند که باعث شد امام حسین علیه السلام برای

پاسداری از حریم دین اسلام به عنوان اعتراض و جلوگیری از تجاوزات و فساد یزید به مقابله و مبارزه برخیزد و خود و خاندانش را برای احیای دین اسلام فدا کند (لابوم، ۱۳۳۶: ۱۹۶).

موریس دوکبری (Maurice Dekobra) معتقد است شیعیان به سبب الگو بودن قیام امامشان در کربلا استعمار را نمی‌پذیرند؛ زیرا شعار امام حسین علیه السلام تن ندادن به ظلم است. او علت قیام امام حسین علیه السلام را حاضر نشدن ایشان به پذیرش ذلت و اطاعت از یزید دانسته و بیان می‌کند که امام برای این هدف، حاضر شد حتی فرزندان و خانواده خویش را به زحمت بیندازد (ماربین و همکاران، ۱۳۳۶: ۲۰-۲۱). به اعتقاد دوکبری، امروزه اگر استقلالی در میان مسلمانان دیده می‌شود، عامل اصلی آن پیروی از دستورات قرآن و اسلام است. او هم چنین به مقایسه امام حسین و مسیح علیه السلام پرداخته و معتقد است امام حسین علیه السلام شبیه‌ترین روحانی به مسیح است، با این تفاوت که مصائب او سخت‌تر و شدیدتر بوده و پیشرفت اولیه پیروان حسین علیه السلام مانند قرون اولیه پیروان مسیح بوده است. به اعتقاد وی، هرگاه ملل مسیح، اصول اولیه پیروان حسین علیه السلام را اختیار کردند یا این که موانع از جلوی راه پیروان حسین علیه السلام برداشته شد، یکی از این دو مذهب در قرون عدیده عالم منتشر گردید (همو: ۲۳).

رینو جوزف (Reno Joseph) نیز یکی دیگر از شرق‌شناسان است که به بررسی حادثه کربلا پرداخته و معتقد است شیعیان از بذل جان و مال خود در راه مذهب و سوگواری حسین علیه السلام دریغ نداشته و در عزاداری‌ها به ذکر مصائب ایشان پرداخته و می‌کوشند ذکر فضایل خاندان نبوت به نیکوترین وجه بیان شود. جوزف با بیان این نکته که مسلمانان در وقوف بر معارف علمی بر تمام مردم زمین برتری دارند، اعتراف می‌کند شیعیان هم از همین نظر در میان سایر مسلمانان مزیت دارند (همو: ۲۷-۲۸). به زعم جوزف، امروزه هیچ نقطه‌ای از عالم نیست که دونفر شیعه باشند و اقامه عزای حسین علیه السلام نکنند (ماربین و همکاران، ۱۳۵۱: ۵۰) و به سبب عزاداری بر حسین علیه السلام و آل محمد علیهم السلام است که کمتر کسی از شیعیان ترک شیعه یا اسلام کرده است (همو: ۵۷). جوزف با اشاره به عزاداری سیدالشهدا، روضه خوانی و هیئت‌های عزاداری به فواید این مراسم از جنبه سیاست،

اخلاق، تربیت، کمالات و مرکزیتی که ایران در جامعه شیعه دارد اشاره کرده و پیشرفت و بقای مذهب شیعه را مربوط به سوگواری سیدالشهدا علیه السلام دانسته و می‌گوید که با حفظ این مراسم، جمعیت و ترقی شیعه در آینده بیشتر خواهد بود. او ضمن اشاره به اوقاف شیعه برای عزاداری حسینی می‌گوید: مذاهب دیگر به قدر شیعه در راه تبلیغ و دعوت به دین بذل مال نمی‌کنند (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۳۶-۴۳۷).

ژان بوهو معتقد است ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد، میراث نبوی با میراث پادشاهی آمیخته گشته است و این ازدواج را دلیل علاقه بیشتر ایرانیان به مذهب تشیع می‌داند. او آیین‌های سوگواری برای ائمه شیعی به ویژه امام حسین علیه السلام را برگرفته از آیین‌های ایرانی می‌داند و در این زمینه می‌گوید:

سابقاً به یاد سرانجام غم‌انگیز سیاوش - قهرمان ایرانی - به دست تورانیان، مراسمی با همین تشریفات در مواقع معینی برپا می‌گردید. خلاصه، این تشریفات که اصل و مبدأ آن ایرانی است در مذهب شیعه رسمیت یافت. (اکبری، ۱۳۸۸: ۲۹)

وی معتقد است در نزد شیعیان، تشیع همیشه مذهب محرومان بوده است (گروهی از خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۴۶: ۲۵۵-۲۵۶). بوهو حتی خرافاتی مانند این که سرخی شفق، خون امام حسین علیه السلام است و تا پیش از کربلا هرگز غروب خورشید سرخ‌رنگ نبوده است را می‌پذیرد (همو: ۲۵۷).

شهید مطهری با بیان دلایلی ادعای مستشرقان را که معتقدند پذیرش تشیع از سوی ایرانیان به خاطر انتساب ائمه به پادشاهان ساسانی و احترام ایرانیان به ائمه برای حفظ فرهنگ ایرانی زیرپوشش تشیع بوده است را رد می‌کند و می‌نویسد:

چگونه است که ایرانی به خود یزدگرد پناه نمی‌دهد، ولی بعداً اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به خاطر پیوند با یزدگرد مکرم می‌شمارد؟ به فرض که مسلمانان ایرانی در قرون اولیه اسلام مجبور به مخفی کردن احساسات خود در زیر پرده تشیع بودند؛ چرا پس از دو قرن که استقلال سیاسی یافتند، از اسلام دست برداشته و به کیش قبلی خویش بازنگشتند؟ شهربانو مقام و موقعیتی بالاتر از

مادران سایر ائمه اطهار ندارد و از زاویه تاریخ، اصل داستان شهربانو و ازدواج او با امام حسین علیه السلام و ولادت امام سجاد علیه السلام از شاهزاده ایرانی مشکوک است. نکته آخر این که این مطلب زمانی می‌تواند درست باشد که شیعه منحصر به ایرانی‌ها باشد و حال آن که غیر ایرانی‌های شیعه نیز بسیار هستند، برای تشیع آن‌ها چه دلیلی وجود دارد؟ (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۳۰-۱۳۱)

هم‌چنین امروزه برپایی آیین‌های سوگواری در مرگ عزیزان از دست رفته در سراسر دنیا مرسوم است و کسی نمی‌تواند مدعی شود چون ایرانیان برای عزیزان از دست رفته خود عزاداری می‌کنند، این رسم را غیر ایرانی‌ها از ایرانی‌ها فرا گرفته‌اند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد عزاداری بر امام حسین علیه السلام برای نخستین بار از سوی توابین برگزار شد و نوحه سرایی با آهنگ سوزناک در بین زنان عرب سابقه داشته و دلیلی ندارد این آداب صرفاً به ایرانیان اختصاص داده شود. صرف نظر از موارد فوق، روایات کثیری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره عزاداری برای حسین بن علی علیه السلام در منابع اهل سنت و شیعه آمده است که مسئله را کاملاً به شکل دینی عرضه می‌کند. بنابراین دلیلی ندارد که ریشه عزاداری برای امام حسین علیه السلام را به ایرانیان نسبت دهند (جعفریان، ۱۳۶۵: ۷۰).

گابریل انگیری (Gabriel Enkiri) درباره روز عاشورا و واقعه کربلا معتقد است سپاه یزید به جای آن که دوست‌داران علی علیه السلام را با واقعه کربلا مرعوب نماید، با این روز که خاطره آن تا به امروز در میان سیل اشک‌ها، نوحه سرایی‌ها و مرثیه‌ها تجدید می‌شود، غیرت آن‌ها را به جوش آورد و میل انتقام را بیش از پیش در آنان تقویت نمود (انگیری، ۱۳۵۴: ۲۶۷-۲۶۸).

هانری ماسه (Henri Massé) نیز همچون دیگر مستشرقان و اسلام‌شناسان فرانسوی ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر شاه ساسانی را یک واقعیت تاریخی می‌داند. شکست امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا درس‌ن و افکار شیعیان به یک واقعه بسیار مهم و مؤثر مبدل شده و شیعیان در این زمینه معتقدند شهادت امام حسین به این علت بود که اراده خدا بر این امر مقرر گردیده و شهادت ایشان به منظور اطاعت از امر حق بوده است. به باور وی، امام حسین علیه السلام تنها یک جنگجوی شجاع نیست، بلکه شهیدی است که خود را

فدای خویشان و معتقدان کرده تا آنان تا ابد خوشبخت باشند. ماسه می‌گوید که امام حسین علیه السلام در عاشورا تسلیم دشمنان خود نشد و به همراه یارانش به شهادت رسید با این وجود، عاشورا از نظر سیاسی و دینی نتایج پرشماری برای تاریخ اسلام و به ویژه تاریخ تشیع داشته است (گروهی از خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۴۶: ۳۳۵).

از جمله شرق‌شناسان برجسته معاصر، یان ریشار (Yann Richard) است. خاورشناس و ایران‌شناس معاصر فرانسوی در سال ۱۹۴۸ میلادی در شهر جونسی (Joncy) فرانسه به دنیا آمده و در مورد مکتب تشیع و هم‌چنین ادبیات فارسی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است. دوائر معروفش / اسلام شیعی در سال ۱۹۹۵ / ایران: تولد جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۶ به چاپ رسیده است. ریشار با بیان حوادث روز عاشورا و اشاره به رنج و دردی که امام حسین علیه السلام و یارانش در این روز متحمل شده‌اند، واقعه کربلا را نقطه عطف و حادثه‌ای متأثرکننده در تاریخ شیعه می‌داند. البته او کربلا را یک نبرد کوچک بین قبایل رقیب معرفی کرده که نتیجه آن مرگ عده‌ای اندک بود. به عبارت دیگر، وی اهمیت این واقعه را در زمان وقوع بسیار کمتر از بازتاب‌های آن در زمان‌های بعد می‌داند، ولی معتقد است شهادت امام حسین علیه السلام به نمونه اصلی قیام در جست‌وجوی عدالت تبدیل شده است (Richard, 1995: 29).

فرانسوا توال (François Thuau) صاحب کتاب ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی تاریخی به تکوین مذاهب شیعی اسلامی، بررسی اوضاع جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی اقلیت‌های شیعی در جهان معاصر و ضرورت توجه به ژئوپلیتیک شیعه در مطالعات کنونی و آینده منطقه و جهان پرداخته است. او در این کتاب انواع گرایش‌های شیعی را در رابطه مستقیم با تاریخ ایران بررسی کرده و درباره جنبش‌های شیعی به سبب ارتباط با ایران بحث نموده است و تلاش کرده نشان دهد برخلاف دیدگاه مشهور، تشیع پدیده‌ای عربی بوده و همچنان عربی باقی مانده است. به باور شیعیان، ریشه تشیع به دوران پیامبر برمی‌گردد، اما اکثر شرق‌شناسان و اسلام‌پژوهان در نوشته‌های خود با تکیه بر مبانی فکری و انگاره‌های ذهنی خویش، مذهب تشیع را یک پدیده تاریخی و پیدایش آن را بعد از عصر نبوی می‌دانند. دسته‌ای از آنان، تشیع را ساخته ایرانیان و واکنش روح ایرانی در برابر

تسلط اعراب مسلمان می‌دانند و دسته‌ای دیگر، ضمن اعتراف به منشأ عربی تشیع قائل به نفوذ فرهنگ ایرانی در این مذهب هستند و از آن به عنوان اسلام ایرانی نام برده‌اند. به همین دلیل ردپای این تفکر را در موضوع امام حسین علیه السلام و عاشورا پژوهی مستشرقان فرانسوی نیز می‌بینیم.

به اعتقاد توال، جهان تشیع پس از قرن‌ها خواب و تجزیه در حال بیداری است و در مقابل جهان غرب به پا خاسته است. او اقتدار شیعه را تنها در پیشگویی مذهبی نمی‌بیند، بلکه در زیر سؤال بردن قدرتمندان و در وفاداری نسبت به مبارزه علیه بی‌عدالتی‌ها می‌داند. به اعتقاد او، برنامه ظاهری مذهب شیعه زندگی در انتظار بازگشت امام غایب همراه با مبارزه به خاطر عدالت بر روی زمین است (توال، ۱۳۷۹: ۱۴). مهم‌ترین نقطه ضعف کتاب توال نگاه برون‌گرای او به پدیده اصول‌گرایی شیعی است. او ریشه زمینه‌های مساعد شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی - انقلابی را در محتوای آموزه‌های دینی و تقابل شیعه و سنی می‌بیند و از عامل مهم تقابل با استعمار غربی و پدیده استکبارستیزی غافل مانده است. توال در تجزیه و تحلیل کانون‌های شیعی سعی کرده است مجموعه‌ای از عوامل را با هم در نظر گرفته و ضریب احتمال بروز یک حرکت سیاسی و انقلابی را تحلیل کند.

بنا بر دیدگاه توال، واقعه کربلا اهمیت سرنوشت‌سازی در تشیع داشته و هسته مرکزی شیعه را شکل می‌دهد. وی شهادت امام حسین علیه السلام نوه پیامبر صلی الله علیه و آله را برای شیعیان سمبل مبارزه برای اسلام به سبب حق و معروف و نشان کشته شدن برای هرگونه مبارزه در راه شریعت حقیقی و الهی می‌داند که با این موضوع، برای مدت طولانی در مذهب تشیع میان شهادت و حقیقت و هم‌چنین میان رنج و عدالت رابطه برقرار شده است (همو: ۱۹). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که اصول مشترک بین شرق‌شناسان فرانسوی درباره امام حسین علیه السلام و عاشورا به این قرار است:

۱. واقعیت تاریخی دانستن ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر شاه ساسانی برای نسبت دادن تشیع ایرانیان به سنت‌های قبل از اسلام و اعلام این نکته که مذهب تشیع عربی نیست و ایرانی است.

۲. اعتقاد به این که امام حسین علیه السلام برای برپا کردن حکومت دنیوی خویش برضد حکومت قانونی جامعه شورش نموده است.

۳. اعتقاد به این که امام برای قدرت طلبی، خود و خانواده اش را به ورطه نابودی انداخته است.

۴. اعتقاد به این که شهادت امام حسین علیه السلام موجب توجه به وی و مطرح شدن ایشان به عنوان امام شیعیان و این که تشیع واقعی بعد از شهادت ایشان شکل گرفته است. بنابراین، نقاط ضعف آثار و تحقیقات مستشرقان فرانسوی در باب موضوع امام حسین علیه السلام و عاشورا را می توان چنین برشمرد:

یکم. خطای بزرگ شرق شناسان این است که به همه امور از نظرگاه و اندیشه جهان غرب می نگرند، حال آن که شرط نخستین در درک درست هر تعلیم شرقی یا سنتی این است که بکوشیم در حد مقدور خود را در نظرگاه اهل آن تعلیم قرار دهیم. برای بررسی آموزه های شرقی، یک راه نتیجه بخش و مفید بیشتر وجود ندارد و آن این است که آنها را از درون مطالعه کنیم، در حالی که شرق شناسان همواره به پژوهش بیرونی درباره این آموزه ها قناعت کرده اند.

دوم. معتقد نبودن به عقایدی از شیعه همانند عقیده به امامت و ولایت.

سوم. مقایسه عقاید شیعی با عقاید غیر اسلامی.

چهارم. استناد به منابع نامعتبر که مورد پذیرش اکثریت شیعیان نیست.

بنابراین نوشته های هر کدام از شرق شناسان فرانسوی گوشه هایی از تاریخ اسلام، تشیع، امام حسین و عاشورا را در بر می گیرد. بلاشهر، نداشتن اطلاعات دقیق مستشرقان و اسلام شناسان را معلول دو عامل می داند:

الف) فراوانی منابع اهل سنت در کتابخانه های شرق شناسان و کمبود کتب و تألیفات عالمان شیعه نزد آنان؛

ب) خطرزایی بیشتر مذاهب شیعه در برابر سلطه غرب و دولت های غربی (بلاشهر،

۱۳۷۶: ۲۰۹).

هم چنین کوشیده می شود به علل دیگری نیز در این زمینه اشاره شود که عبارتند از:

یک. اشتغال زیاد شرق شناسان به سایر جنبه‌های شرق شناسی: خاورشناسان عموماً به موضوعاتی نظیر زبان شناسی، باستان شناسی، تاریخ و کشمکش‌های نظامی و مذهبی ملل شرقی و مسلمان پرداخته‌اند و از این‌رو از مسائل اساسی مربوط به تاریخ و فرهنگ تشیع غافل مانده‌اند.

دو. ارتباط اندک شرق شناسان با مراکز شیعه و حوزه‌های شیعی: محققان بسیاری برای شناخت شیعه به گفته‌ها و نوشته‌های دیگر شرق شناسان یا اسلام شناسان اعتماد کرده‌اند و از روش تحقیق علمی و میدانی در آگاهی از اعتقادات تشیع و اصول آن بی‌بهره مانده‌اند. در اواخر قرن بیستم میلادی محققان برای تکمیل اطلاعات خود از کتابخانه‌ها خارج شدند و در پی مشاهدات میدانی و برای استفاده و شناخت هر چه بهتر میراث کشورهای اسلامی و مطالعه متون شیعی، راهی این کشورها شدند تا از نزدیک با تشیع و تاریخ اسلام آشنا شوند.

سه. کمبود آثار علمی شیعه به زبان‌های مختلف: به دلیل نگارش تاریخ اسلام از منظر اهل سنت و بی‌توجهی به تمایزات شیعه و سنی در این‌گونه آثار، تعداد آثار علمی شیعی از صدر اسلام یا قرن‌های بعدی اندک است و این موضوع سبب شده است که شرق شناسان برای مطالعه عقاید و تاریخ شیعه به آثار دیگر فرق اسلامی مراجعه کنند. افزون بر این، تمرکز بر نقاط ضعف و اختلاف آمیز در مفاهیم، تأثیر تعصبات دینی بر مستشرقان و اسلام‌پژوهان، سیاست‌زدگی، اتکا بر دیدگاه‌ها و گزارش‌های مردمی و خلط بحث قوانین اسلامی و عملکرد مردم، زمینی دانستن ریشه اسلام، تحلیل بر اساس پیش‌فرض‌های غیر واقعی و تفسیرهای ذهنی و شخصی از دیگر علل بی‌توجهی غربیان به اسلام و تشیع به شمار می‌رود.

چهار. نوع نگرش سیاسی غرب به شرق یکی از علل قصور در شناخت ماهیت تفکر شیعه بوده است؛ زیرا اهل تسنن، اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند و طبعاً غربیان نیز بیشتر با آنان تماس داشته‌اند و شناخت احوال و عقاید آنان را بر شیعه مقدم شمرده‌اند. هم‌چنین باید به نگرش غالباً غیر علمی دول استعماری به کشورهای اسلامی اشاره کرد؛ چرا که نگرش اروپاییان در طول تاریخ بیش از هر جنبه دیگری از منظر سیاسی و

استعماری بوده و این دولت‌ها کمتر از نگاه علمی به کشورهای اسلامی پرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری

مسئله عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام همواره به عنوان یکی از اساسی‌ترین صفحات تاریخ قلمداد شده و بدون شک، قیام آن حضرت یکی از ارکان اصلی پابرجایی مکتب تشیع و الهام‌بخش جریان‌های عظیم اجتماعی و علمی در قرون بعدی شده است. در این نوشتار به بررسی دیدگاه‌ها و آثار شرق‌شناسان فرانسوی در باب امام حسین علیه السلام و عاشورا پرداخته شد. به رغم دیرینه بودن مطالعات شرق‌شناسان در حوزه تاریخ اسلام، توجه آنان به مذهب تشیع به صورت علمی بسیار دیرآغاز شد. خاورشناسان و اسلام‌پژوهان فرانسوی که به مسئله عاشورا و امام حسین علیه السلام پرداخته‌اند، از نگاه بیرونی وارد پژوهش در این وادی شده و کوشیده‌اند عقیده به عاشورا را در مکتب تشیع سست جلوه دهند؛ به گونه‌ای که در پاره‌ای از مواقع شاهد شکل‌گیری عقاید متعصبانه و غیرمنطقی در برخورد با این موضوع هستیم.

چنان که دیدیم، شرق‌شناسی دانشی است که به مطالعه و بررسی علوم شرقی و ملل مشرق زمین می‌پردازد و مطالعات اسلام‌شناسی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های این بررسی به شمار می‌آید. سیاست‌های جهان‌گشایی، حس نژادپرستی و قوم‌گرایی بر تار و پود بسیاری از تحقیقات و تلاش‌های علمی شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی مستشرقان سایه افکنده و غباربدبینی را بر آنها نشانده است؛ به طوری که می‌توان اذعان داشت شرق‌شناسی بخشی از راهبرد سیاسی قدرت‌های غربی و معبرگذر غرب برای پایمال کردن میراث فرهنگی، اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی شرقیان به شمار می‌رود و ادعای دانش و بی‌طرفی، پذیرفتنی نیست.

سخن آخر این که به نظر می‌رسد نوشتار حاضر در پرتو تحلیل‌هایی که در چارچوب موضوع و براساس مطالعات اسلام‌شناسی مستشرقان فرانسوی صورت داد، توانسته نمایی تا حد ممکن مبسوط از آن چه را که خاورشناسان فرانسوی درباره امام حسین علیه السلام و حوادث عاشورا بیان کرده‌اند پیش روی مخاطبان قرار دهد و به پرسش مطرح شده در

پیشگفتار پاسخ دهد.

چنان که گفته شد، شرق‌شناسی غربیان به صورت عام و اسلام‌شناسی غیرمسلمانان، عرصه‌ای گسترده از تعامل غربیان با ملت‌های شرقی و امت اسلامی است که حجمی وسیع از مطالعات و تألیف و نشراندیشه‌ها و اظهارنظرهای مثبت و منفی را درباره تاریخ اسلام، امام حسین علیه السلام و عاشورا به همراه داشته و اقدامات عملی فراوان برای مبارزه با اسلام و حتی تخریب چهره سیدالشهدا علیه السلام و حوادث روز عاشورا تاکنون به اجرا درآمده است. از ویژگی‌های منفی تحقیقات اسلام‌شناسان و شیعه‌پژوهان باید به این نکته اذعان داشت که بسیاری از شرق‌شناسان بدون اعتقاد، باوردینی و عدم دسترسی به منابع دست اول اسلامی و شیعی، با نگاهی بیرونی و چالش برانگیز به پژوهش اقدام نموده و نتوانسته‌اند به خوبی موضوع مورد بحث را به خوانندگان خود ارائه کنند.



منابع

- اکبری، امیر (۱۳۸۸ش)، «شرق‌شناسان و ارتباط میان اندیشه‌های ایران باستان با پیدایی تشیع»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان، ص ۱۷-۳۰.
- انگیری، گابریل (۱۳۵۴ش)، شهسوار اسلام، ترجمه: کاظم عبادی، تهران، سپهر.
- آل اسحاق خوئینی، علی (۱۳۷۰ش)، پاسخ نقضی به سلمان رشدی یا اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- بلاشر، رژی (۱۳۷۶ش)، درآستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- توال، فرانسوا (۱۳۷۹ش)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه: علیرضا قاسم آقا، تهران، آمن.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۵ش)، تشیع و ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- دسوقی، محمد (۱۳۷۶ش)، سیرتاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ترجمه: محمودرضا افتخارزاده. تهران، نشر هزاران.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۸۷ش)، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان (تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان)، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۱)، شرق‌شناسی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (بی‌تا)، پرتوی از عظمت حسین علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی.
- گروهی از خاورشناسان فرانسوی (۱۳۴۶ش)، تمدن ایرانی، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لایوم، ژول (۱۳۳۶ش)، ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی، ترجمه: محمدرسول دریایی، تهران، نشر میثم.
- ماریین و همکاران (۱۳۳۶ش)، قیام امام حسین علیه السلام و بیارانش از نظر نویسندگان خارجی، ترجمه: ناصر دهقانی، اصفهان، کتابفروشی شهریار.

- _____ (۱۳۵۱ش)، *سیاسة الحسينیه یا رولسیون کبیر*، تهران، کانون انتشار.
- مارتینو، ژان پییر (۱۳۸۱ش)، *شرق در ادبیات فرانسه قرون هفدهم و هجدهم*، ترجمه: جلال ستاری، تهران، نشر مرکز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴ش)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم، انتشارات صدرا.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۶ش)، *معرفت جاودان*، به اهتمام سید حسن حسینی، تهران، مهر نیوشا.
- Richard, Yann (1995), *L'islam chi'ite*, Paris, Fayard.

